



جهانی شدن که دلالت بر بهتر شدن شرایط دنیا داشت اکنون وضعیت مخاطره آمیزی پیدا کرده است.

پدیده مزبور موجب ایجاد میلیونها شغل از مازنی تا مکزیک شده و وفور نعمت کالا را برای مصرفکنندگان غربی به وجود آورده است. جهانی شدن زمینه استفاده ۳۰۰ میلیون خط تلفن توسط خانوادههای کشورهای درحال توسعه گردید، و دو تریلیون دلار به روشهای مختلف خرید سهام، سرمایه گذاری، وام بازرگانی از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر انتقال یافت.

جهانی شدن (GLOBALIZATION) به واژگونی دیکتاتورهای برخی از جوامع از طریق اطلاعات قابل دسترس محافظت شده کمک کرد، و اکنون اینترنت می خواهد فاصله عمیق بین ملت‌های غنی و فقیر را در دهه آینده کاهش دهد. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ فقط ۳۳ کشور توانستند سه درصد رشد اقتصادی سالانه خود را حفظ کنند و ۵۹ کشور دیگر سیاستهای انقباضی برای اقتصاد خود در پیش گرفتند. افزایش صادرات کالا، سرمایه گذاری خارجی

جهانی شدن از دیدگاههای کوناگون

منبع: BUSINESS WEEK, NOV 6, 2000

مترجم: کامران مظاهری

۱۹۸۰ کشورهای آسیای شرقی ۷/۵ برابر و سرمایه گذاری ۵ برابر رشد داشته است؛
● رشد اقتصادی در سال ۱۹۹۸ نسبت به سال ۱۹۹۰ برای کشورهای آسیای شرقی کاهش

لیکن جمعیت مزبور در اروپای شرقی و آسیای مرکزی ۲/۵ درصد افزایش یافته است.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار گردید که ۷ برابر آغاز پیدایش ایده بود لیکن ۸۰ درصد سرمایه گذاریهای مزبور فقط به ده کشور اختصاص یافت و سهم صد کشور دیگر به طور میانگین فقط ۱۰۰ میلیون دلار بود. رهبر حزب سوسیال دمکرات رومانی می گوید به ما آموختند که کوچک زیباست، خصوصی سازی را با سرعت هر چه بیشتر آغاز کنید و بسیار مطالب دیگر، لیکن استادان پدیده فوق محتویات کتابهای خود را تغییر دادند. ژوزف استیجلیتز رئیس بخش اقتصادی بانک جهانی می گوید: صندوق بین المللی پول برای آزادسازی بازار سرمایه فشار زیادی آورد و همه ملل را به سوی ایدئولوژی بازار آزاد مالی فرا خوانده و هدایت کرد، و متأسفانه آنها هنگامی شکست خود را تایید کردند که تخریب وضعیت کاملاً انجام یافته بود.

برخی دیگر می گویند بندگان پدیده اشاره شده، کشورهایی بودند که کارگران خود را آموزش داده، بر روی فناوری سرمایه گذاری کردند و بازرگانی محلی را گسترش دادند. در سال ۱۹۶۰ درآمد حدود بیست درصد ثروتمندترین کشورها ۳۰ برابر بیست درصد فقیرترین کشورهای جهان بود، اکنون این فاصله

مناطق اقتصادی جهان	صادرات کالا به میلیارد دلار		سرمایه گذاری مستقیم خارجی به میلیارد دلار		درصد میانگین رشد سالانه اقتصادی		درصد جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز	
	۱۹۸۰	۱۹۹۸	۱۹۹۰	۱۹۹۸	۹۰-۱۹۸۰	۹۸-۱۹۹۰	۱۹۹۰	۱۹۹۸
شرق آسیا	۷۰	۵۳۰	۱۳	۶۵	۸/۲	۸	۲۸	۱۶
آمریکای لاتین	۱۰۰	۲۹۰	۸	۶۷	۲	۳/۲	۱۸	۱۷
جنوب آسیا	۱۰	۵۰	۱	۶	۶	۶	۴۳	۴۰
آفریقا	۸۰	۸۲	۱	۵	۲	۲/۵	۴۸	۲۶
اروپای شرقی و آسیای مرکزی	۱۰۵	۲۶۰	۳	۲۶	۲/۴	-۲/۷	۲/۵	۵

جدول شماره (۱)

و درصد رشد میانگین سالانه و کاهش جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز را می توان در ۱۸ سال قبل در کشورهای در حال توسعه خلاصه کرد. (جدول شماره ۱)

● آمار مزبور نشان می دهد که میزان صدور کالا به مراتب بیش از سرمایه گذاری در کشورهای سرمایه پذیر بوده است؛
● صادرات کالا از سال ۱۹۹۸ در مقایسه با سال

داشته، در آسیای مرکزی و اروپای شرقی نه تنها کاهش داشته بلکه ۲/۷ درصد نیز منفی بوده، آمریکای لاتین ۱/۲ و آفریقا ۰/۵ درصد رشد داشته و برای کشورهای جنوب آسیا ثابت بوده است؛

● درصد جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز شرق آسیا، آمریکای لاتین، جنوب آسیا و آفریقا برترتیب ۱۲، ۱، ۳ و ۲ درصد کاهش یافته

درآمدی به ۷۴ برابر افزایش یافته است. یک کارگر چینی کارخانه چرم سازی که ماهیانه ۱۵۰ دلار درآمد دارد می گوید من شغلم را دوست دارم لیکن تا زمان برخورداری از توان مالی کافی برای داشتن یک فرزند باید صبر کنم، ولی متأسفانه کشاورزان ما دارای زندگی مناسب در حال و آینده نیستند.
خانم «سندرا گنز الز» از کارگران فعال گوانتالا

سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ از بحرانهای عمیق مالی در رنج بوده‌اند.

وزیر اقتصاد هنگ‌کنگ می‌گوید: بعد از بحران اقتصادی شرق آسیا، جهانی شدن این معنی را می‌دهد که اگر مشکلی در سائوپولو برزیل ریشه بگیرد ما از آن متأثر می‌شویم و هر سه یا چهار سال یکبار باید خود را برای بحران جدید دیگر آماده کنیم. موفقیت جهانی شدن می‌تواند به همکاری گسترده‌تر و بیشتر بین ملل هدایت شود به شرط آنکه حقوق بشر رعایت و حفظ محیط زیست در همه عرصه‌ها در نظر گرفته شود.

و سرانجام مشکل اصلی این است که چگونه می‌توانیم کشورها و ملل در حال توسعه را به پذیرش استانداردهای محیط زیست و نیروی کار ترغیب کنیم و راه‌حلی که ارائه می‌شود این است که ضرورت دارد شیوه بیان غربیها را تنظیم و اصلاح کنیم. □

بین‌الملل که به صادرات کالاهای اولیه اتکا دارند جنگ را تجربه می‌کنند، لیکن در کشورهایی که دارای چنین صادراتی نیستند معمولاً به‌ندرت جنگ پدید می‌آید.

«دن کندی» مدیر پروژه قطار زیرزمینی پرکلی - کالیفرنیا ایالات متحده بر این باور است که سرمایه‌داری جهانی بسیار با سرعت و تا اقصی نقاط جهان پیش رفته است لیکن این سرعت موجب شده تا گوشه‌های آن بریده شود. کشورهای درحال توسعه باید تشخیص دهند چگونه پولهای داغ را مصرف کنند به طوری که موجب آتش‌سوزی نگردد، زیرا پس از بحرانهای مالی در کشورهای مکزیک، آسیا و روسیه نظریات واقع‌بینانه‌تری درباره اقتصاد بازار آزاد آشکار شده است.

فقط ۲۷ کشور پذیرفته‌اند که ۹۰ درصد سرمایه‌های خصوصی در بازارهای مالی و پولی آنها آشکار است و ده کشور از این ۲۷ کشور در

می‌گوید: سرمایه‌گذاری خارجی برای کشور ما موجب تبادل جهانی و آموزش بیشتر شده لیکن خوارسته ما کار توام با شأن و وقار بوده و می‌خواهیم که به حقوق انسانها نیز احترام گذاشته شود. برخی از سرمایه‌گذاران تولید کالای مصرفی در کشورهای درحال توسعه بر این باورند که باید عملکرد خود را اصلاح کنند لیکن اکثر آنها به اصلاحات اعتقاد ندارند.

با توجه به نیروی بسیار زیاد ارزان کار دستاوردهای قابل توجهی حاصل نمی‌شود مگر آنکه استانداردهای لازم برای تنبیه خطاکاران در نظر گرفته شود.

مطالعات نشان می‌دهد کشورهای که بر اساس فروش منابع طبیعی خود به ثروت دست یافته‌اند تمایل دارند همچنان در حال توسعه باقی بمانند و به مرحله توسعه یافتگی نائل نشوند.

همچنین ۲۳ درصد از کشورهای جامه

به کارگیری موثر نیروی انسانی

از: دکتر رخشنده محمدی

سازمانی که نیروی انسانی لاین و باکفایت را با استراتژی صحیح تعلیم داده و به کار می‌گیرد، قدرت مقابله با هر پیشامدی را دارد و می‌تواند بخوبی از عهده چالشها برآید.

وایت نیازهایی را که در سازمان باید به آنها توجه شود در ذیل تشریح می‌کند:

نیاز به امنیت: به صورت امنیت شغلی در سازمان مطرح است؛

نیاز به تعلق و دوستی: روابط دوستانه با همکاران و مسئولان احساس تعلق به آنها؛

نیاز به عدالت و رفتار صحیح: انسان در سازمان نیاز دارد در مقایسه با همکاران خود مورد رفتاری عادلانه قرار گرفته و پاداش فعالیت‌های خود را دریافت کند؛

نیاز به استقلال و وابستگی: در انسان سازمانی دو نیاز استقلال و وابستگی مشهود است؛

نیاز به تحقق وجودی: که همان نیاز خودیابی است.

زوپ دانشمند آلمانی نیازهای سازمانی افراد را نیاز به امنیت، نیاز به موردنایدقوارگرفتن و نیاز

بررسی جزئی، روند سازمان به سه دسته متغیرهایی که تاثیر توالی بر هم دارند، بستگی دارد. این متغیرها عبارتند از:

الف - متغیرهای اصلی یا سیبی (CASUAL VARIABLE): این متغیرها تحت کنترل سازمان و مدیران هستند و موجبات توسعه و تکامل را فراهم می‌آورند. این متغیرها غیروابسته بوده و تغییر آنها بستگی به متغیر دیگری ندارد. و خود تغییردهنده متغیرهای دیگر هستند. مانند استراتژی هدایت و تصمیم‌گیری، فلسفه و اهداف سازمان و به‌کارگیری تکنولوژی. این متغیرها تاثیر مستقیمی بر روی متغیرهای رابط دارند و باعث افزایش یا کاهش تواناییهای نیروی انسانی در سازمان می‌شوند.

ب - متغیرهای رابط یا نیروی انسانی

ج - متغیرهای نهایی یا دستاوردها: نتیجه‌ای است که عاید سازمان می‌شود.

متغیرهای رابط

این متغیرها در هر سازمان مشخص‌کننده حالات درونی و قدرت کارایی سازمان است.

پیچیدگی رفتار انسان در سازمان و نقش آن در تحقق اهداف سازمان دیر زمانی است که توجه مدیران را به خود جلب کرده‌است. با گذشت سالها مدیران به این نتیجه رسیده‌اند که دستیابی به اهداف سازمانی زمانی امکان‌پذیر است که نیروی انسانی با دانش، تجربه، تخصص و انگیزش کافی در به‌کارگیری نتایج لازم هماهنگی تام داشته باشند.

مدیر در سازمان باید از فن رهبری در به‌کارگیری روشهای صحیح در تحقق اهداف سازمان آگاه باشد و با استفاده از استراتژی‌ها و تکنیک‌های صحیح و مناسب نتایج مطلوبی را عاید سازمان کند.

بازدهی سازمان از دو جنبه کلی و جزئی موردبررسی قرار می‌گیرد. در بررسی جزئی تمرکز روی متغیرهای درون سازمانی و در بررسیهای کلی تکیه بر عواملی است که در سطح جامعه وجود دارد و هر یک از این برخوردورها روند عسلت و معلولی در سازمان را برحسب متغیرهایی که در نظر می‌گیرند، بررسی می‌کند. در